

بررسی حکم اطلاع‌رسانی نسبت به فرصت‌های اقتصادی

مهدی نوریان^{۱*}، سید محمدرضا امام^۲، عابدین مؤمنی^۳

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تهران^۱، دانشیار دانشگاه تهران^۲، دانشیار دانشگاه تهران^۳

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۷/۷/۷ - تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۸۹/۱۲/۲۱)

چکیده

در عرصه‌ی حیات اجتماعی، مؤثرترین و مهمترین رقابت‌ها، در حوزه‌ی فعالیت‌های اقتصادی، صورت می‌گیرد. جهت برقراری توازن و برابری در رقابت‌ها و نیز داشتن توانمندی در آنها، وجود قدرت برابر، عامل بسیار مهمی است. در جهان امروز، برخورداری از این عنصر به اطلاعات و آگاهی‌های برابر و مساوی مربوط می‌شود؛ لذا با توجه به این امور و با در نظر داشتن وظیفه‌ای که دولت اسلامی در برقراری عدالت اقتصادی نسبت به افراد تحت حاکمیت خویش برعهده دارد، در این مقاله، پس از تعریف اطلاع‌رسانی، با بررسی حکم اطلاع‌رسانی نسبت به فرصت‌های اقتصادی، مواردی از حرمت و وجوب، کراهت و استحباب اطلاع‌رسانی در این عرصه را ذکر کرده، سپس در راستای تبیین ادله‌ی حرمت تبعیض در اطلاع‌رسانی، ابتدا حکم رانت اطلاعات را تشریح و بعد با بیان روش مناسب برخورد با فرصت‌های اقتصادی، شرایط لازم در اطلاع‌رسانی نسبت به این فرصت‌ها را تبیین کرده و در نهایت به این نتیجه می‌رسیم که اولاً اطلاع‌رسانی نسبت به فرصت‌های اقتصادی، فی حدّ نفسه نه تنها مباح است، بلکه با توجه به سنت شرعی، از استحباب نیز برخوردار بوده و فقط مواردی که با ادله همراه باشند، از تحت عمومیت حکم استحباب اطلاع‌رسانی خارج می‌شوند. ثانیاً رانت‌های اطلاعاتی نیز فی حدّ نفسه حرام نیستند بلکه با توجه به منبع اطلاعات، نحوه و طرق کسب آنها، مشمول احکام تکلیفی مختلفی می‌گردند.

کلید واژه‌ها اطلاعات - اطلاع رسانی - فرصت‌های اقتصادی - رانت اطلاعاتی - تبعیض.

طرح مسأله

امروزه، رقابت‌های اقتصادی در جامعه، از موضوعیت خاصی برخوردارند. همچنین، توازن جامعه نیز در برابری افراد آن، نسبت به توانمندی‌های اقتصادی حاصل از این رقابت‌ها

است که این برابری افراد، در جوامع امروزی، به میزان و نحوه‌ی بهره‌مندی ایشان از اطلاعات برمی‌گردد، معمولاً این اطلاعات، به برنامه‌ریزی‌ها و تصمیمات دولت‌ها بستگی داشته و نحوه‌ی اطلاع‌رسانی دولت یا اشخاص حقیقی و حقوقی دیگر نسبت به اطلاعات موجود، تأثیر بسزایی در بهره‌مندی‌های اقتصادی خواهد داشت. حال، با توجه به وظایف دولت اسلامی و تعاملی که مردم با آن دارند، از نظر شرعی، اقدام افرادی که در این زمینه به اطلاع‌رسانی می‌پردازند، چه حکمی دارد؟ یا اینکه اطلاع‌رسانی نسبت به فرصت‌های اقتصادی، فی حد نفسه، مشمول چه حکمی است؟ یا اینکه چه کسی یا کسانی، مکلف به این حکم‌اند و چه نوع اطلاعاتی، موضوع این تکلیف است؟ این سؤالات مسائلی هستند که ما ضمن مباحث مطرح در این مقاله، به بررسی و پاسخ به آنها خواهیم پرداخت.

۱- اطلاع‌رسانی نسبت به فرصت‌های اقتصادی، موضوعی فقهی است:

یکی از عرصه‌های مهم زندگی بشر، از دیرباز تاکنون، حوزه‌ی اقتصادی بوده است. در قدیم، از تدبیر اقتصادی، به عقل معاش تعبیر می‌کردند. عقل معاش یا همان تدبیر اقتصادی، چیزی نیست جز در نظر گرفتن عوامل مؤثر بر زندگی مادی انسان و ایجاد توازن و هماهنگی میان امکانات موجود و نیازهای آدمی. امروزه برقراری این توازن و تدبیر، بر عهده‌ی علمی است که موضوع آن، مطالعه در چگونگی تشکیل، توزیع و مصرف ثروتها (ژانسه، اصول علم/اقتصاد، ۶۱) بوده و از آن، به علم اقتصاد تعبیر می‌کنند. از جمله اموری که با توجه به تأثیر آن بر عرصه‌ی اقتصادی، در این برقراری توازن از اهمیت فراوانی برخوردار است، امر اطلاع‌رسانی می‌باشد. اگر چه بحث فناوری اطلاعات و ارتباطات، بحث نسبتاً جدیدی است که در دهه‌های اخیر، بدان توجه خاص شده، لکن تأثیر آن بر متغیرهای کلان اقتصادی در فرآیند توسعه‌ی کشورها، امری غیر قابل انکار به نظر می‌رسد. خصوصاً که امروزه با پیشرفت فناوری اطلاعات، داده‌های اطلاعاتی از نقش فزاینده‌تری برخوردار شده‌اند. از آنجا که در اکثر احکام فقهی، موضوع حکم، فعل مکلف است، دانستن مقدار و میزان تأثیر اطلاعات بر فعل مکلف در حوزه‌ی اقتصادی، نقش مهمی را در احکام مذکور ایفا می‌کند.

در کنار این عامل مؤثر، یکی دیگر از مواردی که با دارا بودن ماهیت اقتصادی، تأثیر فراوانی بر این حوزه و فعالیت‌های موجود در آن می‌گذارد، فرصت‌های اقتصادی است؛ مقصود از این فرصت‌ها، همان فرصت‌های سرمایه‌گذاری است که یک سرمایه‌گذار، می‌تواند به عنوان مجالی آن را در اختیار گرفته و در آن سرمایه‌گذاری اقتصادی کند (نک: مریدی - نوروزی، فرهنگ/اقتصادی، ۴۲۸).

اگرچه تأثیر متقابل اطلاعات بر بازدهی فرصت‌های اقتصادی و فرصت‌های اقتصادی بر اهمیت اطلاعات، امروزه، به امری غیرقابل انکار و فوق‌العاده تبدیل گشته است، لکن، در قدیم، این دو عامل از چنین تأثیر و اهمیتی هرگز برخوردار نبوده‌اند. فلذا با توجه به این مسأله و اینکه وجود چنین تأثیر متقابلی، دارای وجوه مختلف در عملکرد سرمایه‌گذاران، حیات اقتصادی عموم مردم و کیفیت مدیریت دولت است، می‌توان به یقین چنین ادعا کرد که بررسی حکم تأثیر اطلاع‌رسانی بر فرصت‌های اقتصادی، امروزه به یک مسأله‌ی فقهی تبدیل گشته و از ضرورتی مسلم برخوردار گردیده است. لکن در عین حال که بحث، از جنبه‌ی فقهی و تکلیفی بودن آن مبحث جدیدی است که در این مقاله به آن پرداخته می‌شود و هیچ‌گونه پیشینه‌ی قبلی ندارد، اما این فقهی بودن مسأله منافاتی با بحث آن در حقوق ندارد. اگر چه در سایر کشورها سبقه‌ی حقوقی این مسأله بیشتر است؛ لکن با توجه به ارتباط یافتن اقتصاد ایران با سایر کشورها و رشد و توسعه‌ی شبکه‌های اطلاعاتی - ارتباطی کشور در دهه‌ی اخیر، نیاز به وجود قوانینی روشن در این زمینه به خوبی احساس گردیده است؛ بنابراین دولت جمهوری اسلامی در سال ۸۲ با ارایه‌ی لوایحی به قوه مقننه، در سدد تصویب قوانین این عرصه، همچون قانون تجارت الکترونیک، قانون برگزاری مناقصات، و قانون تبادل آزاد اطلاعات برآمده است؛ لذا با در نظر گرفتن مطالب فوق و با توجه به اینکه مراد ما از اطلاع‌رسانی، همان تعریفی است که در ابتدا از لغت اطلاع بیان می‌گردیده؛ یعنی «هر خبری که به نحوی به افراد یا گروه‌های انسانی منتقل گردد» (نک: معتمدنژاد، وسایل ارتباط جمعی، ۴۴)، اکنون به بررسی حکم اطلاع‌رسانی نسبت به این فرصت‌ها می‌پردازیم.

۲- بررسی حکم اطلاع‌رسانی نسبت به فرصت‌های اقتصادی

در تبیین حکم اطلاعات رسانی نسبت به فرصت‌های اقتصادی، آنچه مسلم به نظر می‌رسد، این است که مواردی که خالی از احکام وضعی یا تکلیفی بالمعنی‌الاصح است، مشمول حکم جواز و اباحه است. به عبارت دیگر، بنابر اصالة‌الاباحه و اینکه در فعل مکلف تا زمانی که حکمی اعم از تکلیفی بالمعنی‌الاصح یا وضعی ثابت نشده، اصل، اباحه‌ی آن عمل و براءت ذمه‌ی مکلف نسبت به تکلیف در مورد آن عمل، می‌باشد. اما با توجه به اقداماتی که از شارع مقدس یا ائمه معصومین علیهم السلام در این زمینه وجود دارد، حکم به استحباب حداقل چیزی است که با در نظر داشتن تمسک به سنت شرعی، می‌توان برای اطلاع‌رسانی نسبت به فرصت‌های اقتصادی قائل شد.

برای مثال، یکی از فرصت‌های اقتصادی، منابع طبیعی هستند که در تأمین معاش بشر نقش عمده‌ای ایفا می‌کنند. خداوند متعال، در آیات فراوانی، مهمترین و ارزشمندترین منبع اقتصادی و تأمین معاش بشر را دو گونه معرفی می‌کند؛ ابتدا منابع طبیعی محض که در طبیعت به ودیعه نهاده شده‌اند؛ دوم منابع طبیعی‌ای که با کمک دست بشر به عنوان منبع اقتصادی مطرح می‌شوند.

دسته‌ی اول مانند: آب، دریا، کوه و زمین و ... که در آیاتی چون «و زمین را بعد از آن بگسترانید و در آن آب و گیاه، پدید آورد و کوهها را عماد آن ساخت تا از آن آب و گیاه، قوت شما و چهارپایان برآید» (نازعات/۳۱) و دسته دوم مانند: معدن، کشاورزی و... که در آیاتی چون «و آهن را که در آن هم سختی و هم منافع بسیار بر مردم است، فرستادیم» (حدید/۲۵) یا «و ما به داوود، صنعت زره ساختن را آموختیم تا شما را از زخم شمشیر و آزار دیگران محفوظ بدارد» (انبیاء/۸۰) می‌توان مشاهده کرد.

همچنین می‌توان در بیانات و روایات منقول از نبی مکرم اسلام (ص) و ائمه اطهار(ع)، چنین اقداماتی را مشاهده کرد. به طور مثال درباره‌ی باران و آب که از منابع مهم اقتصادی بوده و آثار مستقیم و غیرمستقیم، در اقتصاد دارد، حضرت علی (علیه‌السلام) ضمن دعا جهت رفع قحطی و خشکسالی، به این آثار اشاره کرده می‌فرماید؛ که نزول باران، درختان را سرسبز و قیمتها را کاهش می‌دهد (نک: سیدرضی، نهج‌البلاغه/ خطبه‌ی ۱۴۳) یا در نمونه‌ای دیگر، درباره‌ی طلا و نقره که امروزه، ذخیره‌ی آن در بانکهای مرکزی کشورها، از مهمترین عوامل مؤثر در تعیین ارزش واحد پولی کشورها به حساب می‌آید؛ در تفسیر علی بن ابراهیم از امام محمدباقر (ع) ذیل آیه «و از آن هر گیاه و نبات مناسب و موافق حکمت و عنایت رویانیدیم» (حجر/۱۹) چنین آمده است: «خداوند تبارک و تعالی، طلا و نقره را در کوهها رشد داد» (مجلسی، بحارالانوار، ۱۷۹/۶۰) یا در بیانی واضح‌تر، از امام صادق (ع) در این باره چنین منقول است که «مس، چیزی نیست جز طلا؛ مگر اینکه زمین، آن را فاسد نموده است؛ پس هر کس بتواند فساد را از آن خارج کند، می‌تواند از آن منتفع گردد.» (همان، ۱۸۵) و در مجموع می‌توان این ادعا را پذیرفت که اطلاع‌رسانی نسبت به فرصت‌های اقتصادی، از استحباب برخوردار است؛ مگر در مواردی که ادله‌ی خاص، بر خروج آنها از عمومیت این حکم دلالت داشته باشند. البته چنانچه اطلاع‌رسانی نسبت به این فرصت‌ها موجب رونق بازار مسلمین شود؛ مثلاً موجب اشتغال‌زایی یا تأمین سریع نیاز جامعه‌ی اسلامی گردد یا مواردی از این قبیل؛ از آنجا که منافع جامعه‌ی اسلامی در آن به وضوح قابل رویت

است، استحباب چنین عملی از تأکید بیشتری برخوردار بوده و احتیاط مستحب، اقدام به آن است چرا که جلب رفاه و منفعت برای جامعه‌ی اسلامی و نفع رسانیدن به مسلمانان و عموم خلق، از محبوبیت خاص و استحباب ویژه‌ای نزد حق تعالی برخوردار است؛ چنانکه در حدیث آمده است: «بهترین مردم نافع‌ترین ایشان برای خلق است» (آمدی، *غررالحکم و درر الکلم*، ۳۹۰) یا در حدیث دیگر از معصوم (ع)، آمده است «حق برادر تو آن است که آنچه را که به او نفع می‌رساند، از او مخفی نداری» (مجلسی، *بحارالانوار*، ۲/۲۰۹).

با توجه به آنچه تاکنون از استحباب اطلاع‌رسانی نسبت به فرصت‌های اقتصادی ذکر گردید، اگر چه حکم اولیه‌ی اطلاع‌رسانی در این حوزه را استحباب دانستیم، اما مواردی نیز هستند که با ادله‌ی خاص از تحت عمومیت این حکم خارج بوده و مشمول احکام دیگری می‌گردند. شایان توجه است که ذکر این موارد، به معنای عدم وجود موارد دیگر از حرمت یا وجوب یا هر حکم وضعی‌ای نخواهد بود. بلکه هر مورد، به منزله‌ی یک فرع فقهی، قابل طرح و بررسی می‌باشد.

۲-۱- مواردی که اطلاع‌رسانی در آنها واجب است:

از طرفی سیره‌ی حکومتی امیرالمؤمنین علی (ع) رعایت عدالت اقتصادی واجب بوده و از وظایف حکومت اسلامی به حساب می‌آید؛ چنانکه ایشان، روز دوم خلافت خویش، در سال ۳۵ هجری درباره‌ی اموال فراوان بیت‌المال که عثمان به بعضی از خویشاوندان خود بخشیده بود، چنین می‌فرماید: «به خدا سوگند بیت‌المال تراج شده را هرکجا که بیابم، به صاحبان اصلی آن باز می‌گردانم؛ گرچه با آن ازدواج کرده یا کنیزانی خریده باشند؛ زیرا در عدالت گشایش برای عموم است و آن کسی که عدالت بر او گران آید، تحمل ستم بر او سخت‌تر است» (سیدرضی، *نهج البلاغه*، خطبه‌ی ۱۵) همچنین رعایت عدالت در همه‌ی عرصه‌ها از جمله عرصه‌ی اقتصادی، بر همه‌ی افراد جامعه اسلامی، بنا بر نص صریح قرآن کریم واجب است؛ چنانکه خداوند متعال می‌فرماید: «همانا خداوند به عدل و احسان امر می‌کند» (نحل/۹۰) و از طرف دیگر، یکی از لوازم عدالت اقتصادی، تساوی افراد در برخورداری از فرصت‌های اقتصادی است (شیرازی، *الفقه للشیرازی*، ۱/۹۷) زیرا شرط الكل شرط الجزء نیز هست؛ مگر به دلیل خاص خارجی یا ویژگی خاصی که بر جزء عارض می‌شود چرا که جزئیت معنا و مفهومی جز این ندارد و بدان سبب که منابع و فرصت‌های اقتصادی، جزئی از اقتصاد جامعه اسلامی به حساب می‌آید و چون دلیل

خاصی بر شرط نبودن رعایت عدالت نسبت به آنها نداریم، بنابراین، شرط رعایت عدالت، در اقتصاد توسط حکومت اسلامی نسبت به فرصت‌های اقتصادی موجود در برابر افراد مختلف جامعه نیز شرط و وظیفه خواهد بود؛ که با توجه به بیان منقول از حضرت علی (ع) آنجا که در باب وظایف حکومت اسلامی می‌فرماید: «آگاه باشید، حق شما بر من، آن است که جز اسرار جنگی هیچ چیز را از شما پنهان ندارم و کاری را جز حکم شرع، بدون مشورت با شما انجام ندهم و در پرداخت حق شما کوتاهی نکرده و در وقت تعیین شده‌ی آن بپردازم و با همه‌ی شما به گونه‌ای مساوی رفتار کنم» (سیدرضی، نهج‌البلاغه، نامه پنجاهم) بر دولت اسلامی واجب است تا در اطلاع‌رسانی نسبت به این فرصت‌ها، عدالت را رعایت کرده و مستعدین در فعالیت‌های اقتصادی را با اطلاع‌رسانی شفاف از فرصت‌ها مطلع کند؛ زیرا بدست آوردن موقعیت‌های اقتصادی، یک امتیاز است و همه‌ی شهروندان در تحصیل این امتیاز، حق مساوی دارند؛ بنابراین، بر دولت اسلامی تکلیف است که اطلاع‌رسانی نسبت به فرصت‌های مذکور را به شکل عادلانه و برابر انجام دهد.

ادله‌ای که در پی می‌آید، برای اثبات این تکلیف دلالتی واضح دارند؛ البته حکم وجوب اطلاع‌رسانی در صورتی است که با عدم اقدام دولت نسبت به آن، این فرصت‌ها از دست بروند و از دست رفتن آنها موجب ضرر و زیان جامعه‌ی اسلامی شود؛ این مضر بودن عدم اطلاع‌رسانی، عقلاً به دو صورت محتمل است یا ضرری بودن از قبیل عدم‌النفع محض است یا از قبیل عدم‌النفع مبتنی بر اعمال حرام؛ در صورت نخست چنانچه عدم جلب منفعت موجب اخلال در نظام اقتصادی جامعه اسلامی نشود، اطلاع‌رسانی مستحب خواهد بود که از آن در مبحث موارد استحباب اطلاع‌رسانی تحت عنوان نفع جامعه اسلامی بحث کردیم. اما در حالت دوم که عدم جلب منفعت، موجبات اخلال در نظام اقتصادی را فراهم می‌آورد، مثلاً نرخ بیکاری را افزایش داده یا موجب تحمیل هزینه‌ی گزاف بر بیت‌المال مسلمین گردد یا آنکه موجبات تحقیر امت اسلامی را فراهم آورد؛ [به طور مثال در زمان محاصره‌ی اقتصادی، شخصی بتواند با اطلاع‌رسانی نسبت به ماده‌ی خاص، از نیازمندی جامعه اسلامی به کفار جلوگیری کرده و بدین وسیله فرصت‌های اقتصادی فراوانی را باعث شود؛ لکن از اقدام به چنین عملی خودداری کرده و سبب نیازمندی و به تبع آن تحقیر جامعه اسلامی به وسیله‌ی کفار شود] در چنین مواردی که عدم اطلاع‌رسانی، سبب ضرر می‌شود و ضرر از قبیل عدم‌النفع مبتنی بر اعمال حرامی چون تحقیر جامعه‌ی اسلامی و اخلال در نظام اقتصادی آن باشد، بدان جهت که اعمال مذکور حرام اند، اطلاع‌رسانی بر دولت اسلامی و مسلمانان، به ترتیب، واجب کفائی خواهد بود. در اینجا توضیح دو مطلب ضروری به نظر می‌رسد:

۱- نسبت حرمت تحقیر جامعه اسلامی و اخلال در نظام اقتصادی آن با وجوب اطلاع‌رسانی
 وقتی تحقیر جامعه‌ی اسلامی و اخلال در نظام اقتصادی آن از حرمت برخوردار است، در واقع به جهت آنکه وجود این دو امر، مبعوض شارع مقدس بوده است، ترک و عدم آن، مطلوب شارع قرار گرفته و از آن‌رو که عدم تحقیر جامعه‌ی اسلامی و اخلال در نظام اقتصادی آن، در اینجا منحصراً با اطلاع‌رسانی نسبت به فرصت‌های اقتصادی حاصل می‌شود، بنابراین اطلاع‌رسانی، مطلوب شرع مقدس خواهد بود؛ اگرچه مطلوبیت، اعم از استحباب و وجوب است؛ اما بدان سبب که مطلوبیت اطلاع‌رسانی، به جهت وجود مصلحت لزومیه‌ی ترک تحقیر جامعه اسلامی و اخلال در نظام اقتصادی آن می‌باشد و حصول این مصلحت نیز جز به اتیان فعل اطلاع‌رسانی میسر نیست، بنابراین مطلوبیت در اینجا ظهور در وجوب داشته؛ فلذا با وجود آن حرمت، این وجوب در اطلاع‌رسانی نسبت به فرصت‌های اقتصادی، بدست می‌آید.

۲- علت کفایی بودن وجوب

اطلاع‌رسانی در این مورد واجب کفایی است؛ زیرا مقصود از آن ترک تحقیر جامعه اسلامی و اخلال در نظام اقتصادی آن است و این هدف با اطلاع‌رسانی به مقدار نیاز حاصل می‌شود و بقاء وجوب در این صورت، بدون مصلحت شده؛ فلذا امری عبث و بیهوده به حساب می‌آید؛ پس با کفایی بودن وجوب، در صورت عدم اقدامات دولت نسبت به آن، بر فرد فرد اشخاص جامعه‌ی اسلامی اطلاع‌رسانی تا حصول گمان بر تحصیل مصلحت، واجب خواهد بود؛ چرا که حصول یقین در این مورد، محال بوده و امر به آن تکلیف به ما و غیر عقلانی خواهد بود.

۲-۲- مواردی که اطلاع‌رسانی در آنها حرام است

از جمله مواردی که اطلاع‌رسانی در آنها نسبت به فرصت‌های اقتصادی حرام است، در صورتی است که این فرصت‌ها از جمله منابع استراتژیک به حساب آیند و اطلاع دشمن از آنها، جامعه‌ی اسلامی یا حیات اقتصادی آن را در حال یا آینده به تهدید، خطر یا استیلای دشمنان مبتلی کند؛ در چنین حالتی، اطلاع‌رسانی بنا بر سه دلیل حرام خواهد بود:

الف: دلیل قرآن

براساس آیه‌ی نفی سبیل که می‌فرماید: «خداوند، هیچ راهی جهت تسلط کفار بر مؤمنین قرار نداده است.» (نساء/۴۱) اولاً، هرگونه سلطه‌ی کفار بر مسلمانان نفی شده

است؛ ثانیاً هر چیزی که موجب این سلطه باشد نیز حرام دانسته شده است؛ بنابراین در اطلاع‌رسانی نسبت به اینگونه از منابع و فرصت‌ها، اگر بیم استیلائی دشمنان بر جامعه‌ی اسلامی برود، اجتناب از آن واجب بوده و اقدام و ارتکاب به چنین عملی حرام است. همچنین براساس آیه‌ی هلاکت که می‌فرماید: «با دست‌ان خویشتن خود را به هلاکت می‌افکنید» (بقره/۱۹۵) از هرگونه افکندن فرد یا جامعه‌ی اسلامی در هلاکت، نهی شده است و چون آیه، اطلاق داشته و منحصر به مورد خاصی نمی‌شود (نک: طباطبایی، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ۱۰۲/۳) بنابراین، اطلاع‌رسانی نسبت به اینگونه از منابع و فرصت‌ها که موجب هلاکت جامعه و در نتیجه اضمحلال و هلاکت حیات اقتصادی جامعه اسلامی می‌شود نیز تحت اطلاق نهی این آیه بوده و منهی‌عنه خواهد بود؛ لذا ارتکاب به آن نیز به همین جهت حرام است.

ب: دلیل روایی

از آنجا که بنا بر احادیث مختلفی، چون حدیث منقول از امام صادق (ع)، در باب آنچه کسب حلال یا حرام است (نک: حر عاملی، *وسائل الشیعه*، ۵۴-۵۸/۱۲) اموری که به وسیله‌ی آنها شرک و کفر تقویت می‌شود، منهی‌عنه دانسته شده‌اند، اطلاع‌رسانی در این زمینه که سبب هدر دادن و تهدید منابع و فرصت‌های استراتژیک اقتصادی مسلمانان گردیده و بدین وسیله موجب تقویت دشمنان ایشان یعنی کفار و مشرکین می‌شود، حرام است.

ج: دلیل عقل

اطلاع‌رسانی در این مورد هم خلاف عقل است و هم با بناء عقلاء ناسازگار؛ چرا که هیچ عاقلی سبب سقوط اقتصادی خود و جامعه‌ی خود را فراهم نمی‌کند و اگر از هر عاقلی پرسیده شود که چنین عملی چگونه است او قطعاً پرسش‌کننده را از انجام آن برحذر خواهد داشت. بنابراین، در اطلاع‌رسانی نسبت به اینگونه از موارد نیز اگر بیم تهدید و خطر یا استیلائی دشمنان بر جامعه اسلامی برود، اجتناب از آن واجب بوده و اقدام و ارتکاب چنین عملی حرام است؛ اما در صورتی که اعلان فرصت‌ها بدون ایجاد اخلال در نظام اقتصادی جامعه، موجب به هدر رفتن آنها شود؛ مثلاً در حالی که اقتصاد جامعه‌ی اسلامی توان تأمین نیاز خاصی را ندارد، به تبلیغ در زمینه‌ی آن نیاز پرداخته شود یا آنکه جهت هدایت سرمایه به بخش خاصی از بازار اقتصادی اقدام به اطلاع‌رسانی زود هنگام نسبت به اشباع سرمایه در بخش دیگری کرده و به تبع آن، موجبات هدر رفتن فرصت و رکود در آن بخش گردد، اقدام به اطلاع‌رسانی در این زمینه مکروه است چرا که این مورد اگر چه از جمله مصادیق هلاکت جامعه‌ی اسلامی به حساب نمی‌آید،

لکن به جهت مذمت شدید عقلی، از قبح فعلی برخوردار می‌باشد. البته در هر دو صورت، چه منابع استراتژیک باشند و اطلاع‌رسانی نسبت به آنها، جامعه‌ی اسلامی را در معرض خطر قرار دهد و چه اطلاع‌رسانی موجب به هدر رفتن فرصت‌ها شود، چنانچه مرتکب چنین اقدامی ناخواسته و از روی جهل، اکراه یا اضطرار اقدام به آن کرده باشد بنا بر حدیث رفع، گناه و کیفر از او مرتفع می‌گردد.

مورد دیگر، جایی است که نحوه‌ی اطلاع‌رسانی، موجب انحصار در بهره‌برداری از فرصت‌ها شود که از آن به تبعیض در اطلاع‌رسانی تعبیر کرده و به صورت مجزا در آینده بحث خواهیم کرد.

نمونه‌ی دیگر از موارد حرمت اطلاع‌رسانی را می‌توان حرمت به سبب نحوه و هدف از اطلاع‌رسانی نسبت به این فرصت‌ها دانست. مثلاً فرد یا افرادی، در اطلاع‌رسانی نسبت به فرصت‌های اقتصادی، به ارائه اطلاعات کذب جهت انحراف افکار عمومی بپردازند؛ این شکل از اطلاع‌رسانی، بنا بر آنکه مبتنی بر اطلاعات کاذب است مشمول ادله‌ی حرمت دروغ و غش گردیده و حرام می‌شود؛ لذا چون درآمد حاصل از چنین اطلاع‌رسانی به تملک مسلمان در نمی‌آید، اگر از مصادیق مجهول‌المالک باشد، به بیت‌المال واریز یا در راه رفاه مسلمین مورد استفاده قرار می‌گیرد و اگر از اموال مسلمانان اخذ شده باشد، به آنان عودت داده می‌شود؛ چرا که ایشان مالک حقیقی آن مال به حساب می‌آیند. بر این اساس قانونگذار در ماده‌ی ۶۷ قانون تجارت الکترونیک هرگونه تحصیل مال از این طریق را جرم تلقی و مرتکبین به چنین اعمالی را علاوه بر رد مال به صاحبان اموال، به حبس از یک تا سه سال و پرداخت جزای نقدی معادل مال مأخوذه، محکوم کرده است؛ ضمناً به جهت آثار سوء اعمال مذکور شروع به این جرم را نیز جرم محسوب و در مقام بازدارندگی از ارتکاب آن، مجازات آن را حداقل مجازات مقرر در ماده‌ی ۶۷ اعلام نموده است (قانون تجارت الکترونیک، روزنامه‌ی رسمی، ۵/۱۶۱۶۷).

برای نمونه، دو هدف را می‌توان برای اینگونه از اطلاع‌رسانی ذکر کرد؛ یکی انحصار در بهره‌برداری و دیگری ایجاد فرصت‌های شغلی نامشروع که مورد اول را علاوه بر بخش تبعیض در اطلاع‌رسانی، در روش مناسب استفاده از فرصت‌های اقتصادی، ذکر خواهیم کرد. اما درباره مورد دوم، مثالهای فراوانی می‌توان ذکر کرد؛ مثلاً افرادی برای راه اندازی تولید اسباب بازی، جهت جذب سرمایه، به اطلاع‌رسانی و تبلیغ بپردازند؛ اما در این اقدام، سرمایه‌گذار را نسبت به مواد استفاده شده در تولیدی، با ارائه‌ی اطلاعات کذب گمراه کنند. در اینجا، اگر مواد مذکور سمی بوده و برای سلامت انسان‌ها ضرر داشته باشد، چنین سرمایه‌گذاری حرام است؛ لذا ضمانت سرمایه‌های جمع آوری شده، بر ذمه‌ی اطلاع‌رسان و کسی که بدین وسیله به جذب سرمایه پرداخته، می‌باشد.

جذب کننده‌ی سرمایه بدان جهت ضامن است که متلف مال غیر است و بنابر قاعده اتلاف که تلف کننده مال غیر را ضامن می‌داند (بجنوردی، القواعد الفقهیه، ۳۶/۲). جذب کننده‌ی سرمایه، ضامن مال تلف شده خواهد بود و اطلاع رسان نیز به سبب آنکه زمینه‌ی فریب صاحب سرمایه را فراهم آورده و او را مغرور ساخته بنابر قاعده‌ی غرور (محقق داماد، قواعد فقه، ۱۶۳-۱۷۸) ضامن اموال تلف شده خواهد بود. و این به جهت مطلع بودن اطلاع‌رسان، از ممنوع بودن چنین سرمایه‌گذاری، به جهت سمی و مضر بودن تولیدات، است. بنابراین، صاحب سرمایه بنابر قاعده اتلاف حق رجوع به جذب کننده‌ی سرمایه و بنابر قاعده‌ی غرور حق رجوع به اطلاع‌رسان را خواهد داشت؛ البته این همه تنها در صورتی است که وی از سمی بودن و مضر بودن مواد پیش از سرمایه‌گذاری مطلع نباشد؛ اما چنانچه وی از این موضوع اطلاع داشته باشد، چون خود اقدام به اتلاف مال خویش کرده و از آنجا که بنابر نظریه‌ی اقدام، هرگاه شخصی با توجه و آگاهی، عملی را انجام دهد که موجب ورود زیان توسط دیگران به او گردد، وارد کننده‌ی زیان که شخص دیگری است، مسؤول خسارت نخواهد بود (نک: محقق داماد، قواعد فقه، ۲۳۰/۱) ذمه‌ی اطلاع‌رسان و جذب کننده‌ی سرمایه مشغول به ضمان نمی‌گردد.

مثال دیگر: فردی جهت تولید عطریات، به اطلاع‌رسانی پرداخته تا از این طریق جذب سرمایه کند؛ حال آنکه در تولیدات خود از الکل نجس استفاده کرده و برای مخفی کردن چنین مسأله‌ای، به ارائه‌ی اطلاعات کذب بپردازد؛ لذا با گمراه نمودن ذهن صاحب سرمایه، به هدف خود که جذب سرمایه است، نائل می‌شود؛ در اینجا نیز همچون مسأله‌ی قبل، اطلاع رسان و جذب کننده‌ی سرمایه، ضامن مال تلف شده خواهند بود.

البته در اینجا نیز قانونگذار طی ۸ ماده، با تعیین قواعد تبلیغ، تأمین کنندگان را در تبلیغ کالا و خدمات، از ارتکاب فعل یا ترک فعلی که سبب مشتبه شدن و یا فریب مخاطب از حیث کمیّت و کیفیت شود یا سلامت افراد را به خطر اندازد، منع و ایشان را ملزم به ارائه‌ی دقیق، صریح و روشن اطلاعات مربوط به کالا و خدمات، به نحوی که قابل درک برای مصرف کننده باشد، کرده است (قانون تجارت الکترونیک، روزنامه رسمی، ۴/۱۷۱۶۷).

نمونه‌ی دیگر از موارد حرمت در اطلاع‌رسانی نسبت به فرصت‌های اقتصادی، جایی است که اطلاع‌رسان در اقدام خود، به جعل و تزویر تمسک کرده باشد؛ یعنی در اطلاع رسانی، با ساختن نوشته یا سند یا ساختن مهر یا امضای اشخاص رسمی یا غیررسمی خراشیدن یا تراشیدن یا قلم بردن یا الحاق یا محو یا اثبات یا سیاه کردن یا تقدیم یا تأخیر تاریخ سند، نسبت به تاریخ حقیقی یا الصاق نوشته‌ای به نوشته‌ی دیگر یا بکار

بردن مهر دیگری بدون اجازه‌ی صاحب آن و نظایر اینها، به قصد تقلب (قانون مجازات اسلامی / ماده‌ی ۵۲۳) اقدام نموده و عدم فرصت را فرصت و یا فرصت را عدم فرصت نشان داده یا به هر نوع اقدام دیگری از این نوع پرداخته باشد؛ در این مورد نیز اطلاع‌رسانی به سبب نحوه‌ی آن حرام خواهد بود؛ البته این حرمت، علاوه بر آنکه در قانون مجازات اسلامی مورد تأیید قرار گرفته، در ماده‌ی ۴۷ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی نیز اشخاصی که اطلاعات خلاف واقع یا مستندات جعلی را به سازمان بورس ارائه کنند یا تصدیق کنند و یا اطلاعات، اسناد و یا مدارک جعلی را در تهیه‌ی گزارش‌های موضوع این قانون مورد استفاده قرار دهند، حسب مورد به مجازات‌های مقرر در قانون مجازات اسلامی مصوب ۷۵/۳/۶ محکوم نموده است.

در بیان سبب حرمت چنین عملی، می‌توان به ادله‌ی متعددی که عمومیت علت آنها دربر گیرنده‌ی این مورد نیز می‌شود، تمسک کرد؛ از جمله آنها موارد زیر است:

۱- احادیث دالّ بر حرمت تدلیس

۲- احادیث دالّ بر حرمت حجب شیعه

۳- احادیث دالّ بر حرمت غشّ

مثلاً از امام موسی کاظم (ع) منقول است که «مؤمن برادر مؤمن است؛ ملعون است کسی که برادرش را متهم سازد؛ ملعون است کسی که دربرخورد با برادرش غشّ ورزد؛ ملعون است کسی که برادرش را نصیحت نکند؛ ملعون است کسی که با برادرش پنهان کاری کند و ملعون است کسی که غیبت برادرش را بکند» (حرّ عاملی، وسایل الشیعه، ۵۶۳/۵) یا در حدیثی از امام صادق (ع) منقول است: «کسی که در اعمالش، غشّ داشته باشد، از ما نیست» (حرّ عاملی، وسایل الشیعه، ۲۰۸/۱۲).

همانطور که در احادیث فوق مشاهده می‌شود، غشّ و پنهان کاری، مورد نهی قرار گرفته است؛ حتی اگر جعل و تزویر را مصداق غشّ به حساب نیاوریم، می‌توان چنین گفت که در واقع، آنچه از آن نهی شده و مورد تحریم قرار گرفته، همان جلوه دادن چیزی به غیر از وجود حقیقی آن است که برای این علت و سبب حرمت، موارد گوناگونی را می‌توان ذکر کرد؛ یکی تدلیس است؛ دیگری پنهان کاری و دیگری غشّ در معامله؛ یکی دیگر از این موارد نیز جعل و تزویر می‌باشد. چرا که در جعل و تزویر، با تغییر یا هر عمل دیگری، حقیقت غیر از آنچه که هست، جلوه داده می‌شود. بنابراین اقدام به اطلاع‌رسانی از طریق جعل و تزویر حرام است.

۳- حرمت تبعیض در اطلاع‌رسانی نسبت به فرصت‌های اقتصادی

تبعیض در اطلاع‌رسانی نسبت به فرصت‌های اقتصادی، بدین شکل که برخی از این امتیاز برخوردار و برخی محروم شوند، حرام است؛ به عبارت دیگر اطلاع‌رسانی باید به گونه‌ای باشد که تمام واجدین شرایط، بتوانند از این فرصت‌ها بهره‌مند گردند؛ زیرا اولاً، تبعیض بلا دلیل، ترجیح بلامرجح بوده و خلاف عقل است و چون ما در اینجا دلیلی که مرجح برخی واجدین شرایط بر برخی دیگر باشد، نداریم، بنابراین، تبعیض در اطلاع‌رسانی نسبت به فرصت‌های اقتصادی، ترجیح بلامرجح شده و جائز نخواهد بود.

ثانیاً، تبعیض میان افراد واجد شرایط همان ظلم و ضدّ عدل و مساوات است و از آنجا که خداوند متعال در قرآن کریم، به نحو عام امر به رعایت عدالت و مساوات کرده (نحل/۹۰) و امر به شیء، مقتضی نهی از ضدّ آن است، بنابراین، تبعیض در اطلاع‌رسانی، منهی عنه بوده و ارتکاب آن حرام است.

علامه طباطبایی در تفسیر *المیزان* در شرح آیه‌ی ۹۰ سوره‌ی نحل که می‌فرماید: «خداوند به عدل و احسان امر می‌کند»، در توضیح عدالت آن را به دو قسم، یکی عدالت فردی و دیگری عدالت اجتماعی، تقسیم کرده سپس با آنکه لفظ عدالت مطلق است و شامل هر دو قسم می‌شود، می‌فرماید: «ظاهر سیاق آیه، این است که مراد از عدالت، عدالت اجتماعی است و آن عبارت است از اینکه با هر یک از افراد جامعه، طوری رفتار شود که مستحق آن است و در جایی قرار داده شود که سزاوار آن است و این خصلتی اجتماعی است که فرد فرد مکلفین مأمور به انجام آنند؛ به این معنا که خدای سبحان دستور می‌دهد هر یک از افراد اجتماع عدالت را رعایت کند و لازمه‌ی آن این می‌شود که امر متعلق به مجموعه نیز بوده باشد؛ پس هم افراد مأمور به اقامه‌ی این حکم هستند و هم جامعه که حکومت، عهده‌دار زمام آن است.»

در جای دیگر، پس از تعریف لفظ عدالت به میانه‌روی و اجتناب از دو سوی افراط و تفریط در هر امری، مراد از عدالت در مردم و بین مردم را چنین بیان می‌دارد: «عدالت در مردم و بین مردم این است که هر کس را در جای خود که به حکم عقل و یا شرع و یا عرف مستحق آن است، قراردادی؛ نیکوکار را به خاطر احسان و بدکار را به جهت بدی‌اش عقاب نمایی؛ حق مظلوم را از ظالم بستانی و در اجراء قانون، تبعیض قائل نشوی» (طباطبایی، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ۲۴/۲۴، ۲۴۵).

همانطور که مشاهده می‌شود، لفظ عدالت در اینجا، مقابل تبعیض به کار رفته است که البته مراد علامه از تبعیض، تبعیض میان واجدین شرایط است؛ نه تبعیض میان

همه‌ی افراد؛ چراکه تبعیض در بعضی موارد، عین عدالت است؛ مثلاً اگر میان دو نفر که یکی مهارت خاص یک حرفه‌ای را دارد و دیگری که آن مهارت را ندارد و در حال یادگیری است، در پرداخت دستمزد، تساوی پرداخت رعایت نشود، یعنی به فرد اول دستمزد بیشتری و به شخص دوم دستمزد کمتری داده شود، این تبعیض، عین عدالت خواهد بود و این مؤید همان ادعایی است که ما در بالا ذکر کردیم.

پس هنگامی که به عدالت امر می‌شود، از آنجا که تبعیض ظلم است و ظلم یعنی ترک عدالت، بنابراین، تبعیض ضد عام مأمور به محسوب گردیده و بنابر اعتقاد کثیری از اصولیین، چون مرحوم شیخ اعظم انصاری و صاحب معالم و مرحوم مظفر و ... امر به شی مقتضی نهی از ضد عام آن می‌کند (محمدی خراسانی، شرح اصول الفقه، ۲/۲۱۵) و چون امر به عدالت عام بوده و شامل هر عرصه‌ای از جمله اطلاع‌رسانی می‌شود، بنابراین تبعیض در اطلاع‌رسانی ضد عام امر به عدالت در اطلاع‌رسانی بوده و منهی عنه خواهد بود.

حال که اعمال تبعیض در اطلاع‌رسانی نسبت به فرصت‌های اقتصادی، حرام دانسته شد، کسانی که از این طریق، به کسب اموال پرداخته باشند، دارایی‌های حاصل از این نوع کسب ایشان، باید عودت داده شود؛ چرا که چنین کسبی، اکل مال به باطل و از مکاسب محرم به حساب می‌آید و چنین درآمدی به تملک مسلمانان در نمی‌آید؛ در این صورت، بدان سبب که مالک مشخصی را برای این اموال نمی‌توان در نظر گرفت، اموال مذکور به تملک دولت اسلامی درمی‌آید تا دولت اسلامی با استفاده از آنها فرصت‌های اقتصادی جدیدی را برای عموم ایجاد کند یا در رفاه عموم یا سایر مواردی که خرج کردن بیت‌المال در آنها جایز است، استفاده کند.

۴- حکم رانت اطلاعاتی

پس از اثبات حرمت تبعیض در اطلاع‌رسانی، اکنون جای آن است تا با طرح مسأله‌ی رانت اطلاعاتی، به بررسی حکم درآمدهای حاصل از آن بپردازیم. زیرا رانت‌های اطلاعاتی، نقش بسزایی در برتری افراد نسبت به رقبای اقتصادی آنها ایفا می‌کند که برخی از موارد بهره‌مندی از این رانت با اعمال تبعیض حاصل می‌شود. به جهت مؤثر بودن رانت اطلاعاتی در برتری افراد نسبت به رقبای اقتصادی ایشان، این رانت‌ها انگیزه‌هایی را برای حفظ و ایجاد شان به وجود می‌آورد. این انگیزه‌ها، می‌توانند موجبات ایجاد دامنه‌ای از فعالیت‌ها همچون رشوه‌دهی یا حتی اعمال زور در یک طرف و فعالیت‌های سیاسی کاملاً قانونی یا تبلیغ را در طرف دیگر، فراهم آورند. بدین جهت

تعیین محدوده‌ی رانتهای حلال و حرام و ایجاد مانع در گسترش نوع حرام آن در جامعه، نقش تعیین‌کننده‌ای در توسعه‌ی عادلانه و ارزش‌مدار ایفا می‌کند. اصطلاح رانت، برای توصیف درآمدهایی که بالاتر از بازدهی معمولی است، به کار می‌رود؛ شایسته است رانت را به مثابه درآمدی تعریف کنیم که بالاتر از درآمدی است که فرد یا بنگاه، با توجه به فرصت‌های بدیل می‌پذیرد (مشتاق حسین خان، رانت‌ها و رانت جویی و توسعه اقتصادی، ۲۱) دیوید پیرس، رانت را چنین تعریف کرده است: «رانت، پرداختی است در ازای یک عامل تولید که از میزان لازم برای حفظ وضعیت کاربرد فعلی آن، بیشتر است» (پیرس، لغت‌نامه‌ی اقتصادی مدرن، ۱۲) دکتر محمود منتظر ظهور، درباره‌ی تعریف رانت، چنین می‌گوید: «در واقع، منظور از رانت که در اقتصاد جدید استنباط می‌شود، عبارت از اضافی ارزشی است که عرضه‌کننده‌ی یک عامل تولید یا یک محصول، در شرایط کمیابی مطلق یا نسبی آن نسبت به تقاضا در بازار، دریافت می‌دارد و میزان این اضافی ارزش یا رانت که بدین ترتیب حاصل می‌شود، عبارت از فرق بین ارزش افزوده‌ی واقعی عامل تولید مورد نظر و کمیاب که در شرایط عادی می‌تواند ایجاد کند و یا هزینه‌ی تولید محصول مورد بحث و بهای عرضه‌ی آن در شرایط کمیابی است (منتظر ظهور، اقتصاد خرد و کلان، ۲۴۲).

بنابراین، با توجه به تعاریف موجود از رانت، می‌توان رانت اطلاعاتی را اضافی ارزشی دانست که عرضه‌کننده‌ی یک عامل تولید یا محصول و یا مالک یک شیء از طریق بهره‌مندی از اطلاعات بدست می‌آورد. به طور مثال، شخصی که با تلاش در جهت بازاریابی، به کسب اطلاعات هرچه بیشتر از بازارهای مختلف منطقه‌ای و جهانی مشغول می‌شود، در واقع به دنبال یافتن رانت اطلاعاتی است؛ همچون شرکتی که با تجزیه و تحلیل مواد قانونی کشورهای گوناگون، بدنبال کسب اطلاعات جهت یافتن راهکارهای قانونی واردات یا صادرات در سطح منطقه‌ای و جهانی است، در واقع در جهت برخورداری از رانت اطلاعاتی است. یا در نمونه‌ای دیگر، چنانچه یک واحد تولیدی، با استفاده و بهره‌مندی از تصمیمات اعلام نشده‌ی مقامات دولتی یا محلی، واحد تولیدی خود را در حاشیه‌ی جاده‌ای در شرف احداث، واقع کند و از طریق کاهش هزینه‌ی حمل و نقل، از امتیاز ویژه‌ای برخوردار شود، در واقع، از رانت اطلاعاتی بهره‌مند گردیده است. بنابراین، رانت اطلاعاتی و منافع مستفاد از آن، با توجه به نحوه و طریقه‌ی حصول یا بهره‌مندی از اطلاعات و با در نظر گرفتن منبع اطلاعات، مشمول احکام گوناگونی می‌گردد؛ اما از آنجا که ذکر تمامی موارد و احصاء فروع آن در توان این مقاله نیست، لذا به ذکر چند مورد از آن پرداخته و حکم درآمدهای حاصل از چنین مواردی را بیان می‌کنیم:

۴-۱- اطلاعات، حاصل تصمیمات یا تلاش دولت اسلامی باشد

در اینجا دو احتمال وجود دارد: یکی آنکه دولت اسلامی پخش اطلاعات حاصل از تصمیمات خویش را ممنوع اعلام کرده باشد؛ دیگر آنکه در این باره سکوت کرده و یا حکم به جواز اعلام آنها کرده باشد. در صورت اول، بهره‌مندی از این نوع اطلاعات، جهت استفاده در معاملات و تصرفات شخصی، حرام خواهد بود؛ چرا که بنا بر دستورحاکم شرع، پخش اطلاعات حرام بوده و بهره‌مندی از آن نیز جز از طریق غیرقانونی، همچون تبانی یا ارتشاء میسر نخواهد بود؛ لذا هم به جهت طرق کسب و هم به جهت منبع اطلاعات، رانت حاصل از چنین اطلاعاتی حرام می‌باشد و به تبع آن منافع مستفاد از آن نیز حرام است. بر این اساس، قانونگذار، جهت حمایت از اسرار تجاری و به منظور حمایت از رقابت‌های مشروع و عادلانه، در بستر مبادلات الکترونیکی در قانون تجارت الکترونیک، ذیل ماده‌ی ۶۴ و ۶۵، تحصیل غیرقانونی اسرار تجاری و اقتصادی بنگاه‌ها و مؤسسات برای خود و یا افشای آن برای اشخاص ثالث در محیط الکترونیکی را جرم محسوب و طی ماده‌ی ۷۵، متخلفین از ماده‌ی ۶۴ را به حبس از ۶ ماه تا دو سال و نیم و جزای نقدی معادل پنجاه میلیون ریال محکوم کرده است (قانون تجارت الکترونیک، روزنامه‌ی رسمی، ۵/۱۷۱۶۷).

اما چنانچه دولت اسلامی نسبت به پخش این قسم از اطلاعات سکوت کرده یا حکم به جواز آن داده باشد، در صورتی که بهره‌مندی از آن، مستلزم اعمال غیرقانونی چون فروش غیرقانونی اطلاعات، ارتشاء و تبانی باشد، رانت حاصل از اطلاعات مذکور نیز به جهت طرق کسب آنها، حرام خواهد بود و در صورتی که بهره‌مندی از این اطلاعات، مستلزم چنین اعمالی نباشد، لکن رانت مزبور، در پی اعمال تبعیض کارگزاران حکومتی، در اطلاع‌رسانی نسبت به آن، حاصل شود، حکم به حرمت رانت حاصل از این اطلاعات، بنابر ادله‌ی مذکور در حرمت تبعیض در اطلاع‌رسانی، قریب به صحت خواهد بود. چنانچه بهره‌مندی از اطلاعات ذکر شده، به صورت اتفاقی یا از طرقی غیر از طرق ممنوعه‌ی مذکور و مانند آنها حاصل شود و دولت اسلامی نیز در زمینه‌ی پخش این اطلاعات سکوت اختیار کرده و یا حکم به جواز اطلاع‌رسانی داده باشد، رانت حاصل از آن حلال بوده و منافع مستفاد از چنین بهره‌مندی در تملک افراد برخوردار از آنها قرار می‌گیرد.

در این زمینه، مثالهای فراوانی را می‌توان ذکر کرد؛ مانند اطلاعات مربوط به راههای مصوب دولت و اطلاعات مربوط به تولید دستگاه‌های مجهز به فناوریهای نوین که معمولاً اطلاعات آنها به شکل انحصاری در اختیار دولت‌ها قرار گرفته و اعلام آنها ممنوع

می‌گردد و به همین سبب هر یک موجب ایجاد رانت و اضافه ارزش برای افراد برخوردار از آنها می‌گردد.

۲-۴- اطلاعات حاصل فعالیت‌های شخصی باشد

در صورتی که فعالیت‌های شخصی انجام گرفته، شرعی و جائز باشند، رانت حاصل از اطلاعات بدست آمده از چنین فعالیت‌هایی نیز حلال خواهد بود. در غیر این صورت، به سبب طرق کسب اطلاعات، رانت مذکور، حرام می‌گردد؛ البته دو مورد از رانت‌های اطلاعاتی حاصل از فعالیت‌های شخصی را در آراء فقها می‌توان یافت که ایشان به بررسی حکم آن پرداخته‌اند؛ یکی از آنها، رانتی است که حاصل خارج شدن از شهر برای خرید از قافله است و در فقه از آن به «تلقى الركبان» یاد می‌کنند.

در این زمینه دو قول وجود دارد که صاحب جواهر، پس از ذکر مستندات، قول به کراهت را برگزیده و با تضعیف احتمال حرمت، آن را خلاف مشهور امامیه و موافق با عامه دانسته است (نک: نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ۲۳۸/۸).

شهید ثانی نیز ضمن برشمردن اقوال در این مسأله، استدلال قائلین به کراهت که احادیث مذکور در این مسأله را حمل بر کراهت می‌کنند، غیرمناسب دانسته است؛ لکن با توجیه قول صاحب شرایع، ادله‌ی وی را در اثبات کراهت کافی به حساب آورده است (نک: شهید ثانی، مسالک الافهام فی شرح شرایع الاسلام، ۷۱/۴).

مورد دیگر، مسأله‌ی وکیل شدن شهرنشین از سوی بادیه نشین است نسبت به معاملات وی؛ شهید ثانی، ضمن بیان اقوال در این مسأله، در صورت صحیح بودن سند مدارک قائلین به حرمت، قول به حرمت را بهتر می‌داند؛ اما چنانچه سند این ادله صحیح نباشد، کراهت را به جهت تسامح در ادله، نیکو دانسته و دو شرط را برای حکم به کراهت بیان می‌کند:

۱- پیشنهاد وکالت توسط شهرنشین به بادیه نشین

۲- جهل بادیه نشین نسبت به قیمت کالا در شهر (نک: شهید ثانی، الروضه البهیه فی شرح اللعه الدمشقیه، ۳۶/۲) صاحب جواهر نیز با بیان آنکه شیخ، ابن ادریس و براج و فاضل در منتهی، قول به تحریم رانت حاصل از چنین عملی را برگزیده‌اند، به تضعیف این قول پرداخته و حکم به کراهت را با اصول مذهب امامیه، مشابه‌تر و با قول مشهور ایشان موافق‌تر دانسته است (نک: نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ۲۳۳/۸).

۴-۳- اطلاعات، به صورت امانت، نزد فرد یا گروه و سازمان خاصی باشد

چنانچه اطلاعات، به صورت امانت، در اختیار فرد یا گروهی قرار گیرد، مطلع نمودن دیگران از این اطلاعات، بدون اذن امانت‌گذار جائز نخواهد بود و هرگونه اقدام در این زمینه، چنانچه موجب آسیب به امانت، امانت‌گذار یا دیگران شود، تحت عموم ادله‌ی خیانت قرار گرفته و حرام است. بنابراین، به طور مثال، استفاده‌ی شخصی یک کارگزار بورس یا بستگان وی از اطلاعات بورس که در اختیار وی قرار داده شده است، ممنوع بوده و رانت حاصل از آن نیز حرام خواهد بود.

بدین جهت، قانونگذار با ذکر کردن عنوان شخصی که دارای اطلاعات نهایی شناخته می‌شود، در تبصره‌ی ۱ ذیل ماده‌ی ۴۶ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران، مرتکبین به این اعمال را به حبس تعزیری از سه ماه تا یک سال یا به جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر سود به دست آمده یا زیان متحمل نشده یا هر دو مجازات، محکوم کرده است (قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران، روزنامه‌ی رسمی، ۵/۱۷۷۱۴).

بنابراین، رانت‌های اطلاعاتی، با توجه به منبع اطلاعات، نحوه و طرق کسب آنها، احکام مختلفی دارند که ما از میان موارد قابل طرح، به سه مورد، برای نمونه، اشاره کردیم. اما با توجه به این مباحث، آنچه در این زمینه جلب توجه می‌کند، روش مناسب در برخورد با فرصت‌های اقتصادی‌ای است که حاصل تلاش دولت یا کل جامعه اسلامی است.

۵- روش مناسب در برخورد با فرصت‌های اقتصادی

روش مناسب در برخورد با این فرصت‌ها، هنگام اطلاع‌رسانی و بهره‌برداری آن است که اگر فرصت‌های اقتصادی، حاصل تلاش دولت اسلامی یا کل جامعه‌ی اسلامی است، باید با استفاده از یکی از سه طریق مناقصه، مزایده یا ارزیابی باشد.

شایان ذکر است که این انحصار، به حصر عقلی است؛ زیرا روش مناسب دیگری که عدالت هم در آن رعایت شده باشد، قابل فرض نیست؛ اما این که این سه طریق را در اموال عمومی و فرصت‌های حاصل از تلاش دولت اسلامی منحصر کردیم، بدان علت است که تصمیم‌گیری درباره‌ی اموال شخصی، بنابر قاعده‌ی تسلیط، در اختیار صاحبان آنها است؛ هرچند که طبق بیان امیرالمؤمنین علی (ع) رعایت مساوات در این گونه از اموال نیز از مطلوبیت برخوردار است (نک: سیدرضی، خطبه ۱۲۶) و می‌توان به جهت همین حسن فعلی، اقدام به رعایت مساوات در اموال شخصی و بذل آن را خالی از استحباب ندانست.

اما ممنوعیت اقدام نمودن، جهت آگاه کردن مردم از فرصت‌های اقتصادی به غیر طرق مذکور، به سبب همان ادله‌ی سابق‌الذکر در مسأله‌ی حرمت تبعیض در اطلاع‌رسانی نسبت به فرصت‌های اقتصادی؛ است البته اطلاع‌رسانی در این زمینه باید حداقل واجد سه ویژگی باشد:

الف: از هرگونه ابهامی به دور باشد

زیرا اولاً وجود ابهام در اطلاع‌رسانی، موجب نقض غرض از اطلاع‌رسانی می‌شود؛ چرا که هدف از آن آگاهی دادن و مطلع نمودن کسانی است که مقصود ما هستند؛ حال اگر این اقدام به نحوی باشد که ما را به هدف و مطلوبمان نرساند، دیگر ثمره‌ای بر آن نمی‌توان مترتب نمود. پس هم نقض غرض شده است، هم عملی لغو به حساب می‌آید.

ثانیاً مرتکبین به چنین عملی در معرض سوءظن و اتهام قرار می‌گیرند؛ زیرا که چنین احتمالی دور از ذهن نخواهد بود که اینگونه ابهامات، جهت انحصار در بهره‌برداری است و البته نمونه‌های مختلفی را نیز می‌توان در خارج از اقسام سوءرفتارها در این زمینه مشاهده کرد. بنابراین به جهت اجتناب از موضع تهمت هم که شده، اطلاع‌رسانی و فراخوان نسبت به مزایده، مناقصه و ارزیابی، باید از هرگونه ابهامی به دور باشد.

ب: امکان اطلاع یافتن همه‌ی افراد از آن فراهم باشد

طبق ادله‌ی سابق‌الذکر در مسأله‌ی حرمت تبعیض در اطلاع‌رسانی، امکان اطلاع باید برای همه افراد واجد شرایط، فراهم باشد؛ البته نحوه‌ی فراهم آمدن این امکان را عرف تعیین می‌کند؛ زیرا این امر از جمله مسائلی است که با گذر زمان متفاوت می‌شود؛ چه بسا روشی که امروز این امکان را فراهم می‌کند، در آینده چنین مفید نباشد؛ آن چنان که روش‌های گذشته، امروز دیگر مفید نیستند.

البته قانونگذار، با توجه به لزوم وجود چنین امکانی، مناقصه‌گزار را در بند «ب» و «ج» ماده‌ی ۱۳ قانون برگزاری مناقصات، ملزم به اطلاع‌رسانی عمومی، در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار کشوری یا استانی و یا از طریق سایر رسانه‌های گروهی و ارتباط جمعی یا شبکه‌های اطلاع‌رسانی نموده است (قانون برگزاری مناقصات، روزنامه‌ی رسمی، ۵/۱۷۴۷۴).

ج: مشتمل بر بیان تمامی شرایط و لوازم فرصت‌ها باشد

فراخوان و اطلاع‌رسانی، باید مشتمل بر بیان تمامی شرایط و لوازم فرصت‌هایی باشد که به مزایده یا مناقصه گذاشته شده‌اند تا آنکه موقعیت این فرصت‌ها، به خوبی برای سرمایه‌گذاری روشن شود؛ زیرا در صورت جهل او نسبت به این شرایط و لوازم، اسباب غبن و غرور وی فراهم می‌شود؛ چرا که محتمل است او چیزی را اندیشه کند که به

سبب شرایط موجود در این فرصت‌ها، قابل دستیابی نباشد و به همین جهت مغرور و مغبون گردد. هرچند که به واسطه‌ی خیار غبن و قاعده‌ی غرور مجاز به رجوع بوده و ضرر ناشی از مزایده یا مناقصه را می‌تواند از مناقصه‌گزار یا بانیان تملک و تفهیم فرصت‌ها طلب کند و چون این ضرر در اسلام نهی شده است و جبران آن جز به رجوع میسر نیست، فلذا موجب غبن، ضامن ضررهای وارد بر سرمایه‌گذار بوده و ملزم به جبران آنهاست.

نتیجه

در پایان، با توجه به تمامی مباحث مطرح شده در این مقاله، به این نتیجه می‌رسیم که:

- ۱- اطلاع‌رسانی نسبت به فرصت‌های اقتصادی، فی حدّ نفسه موضوع احکام خمسّه قرار می‌گیرد؛ البته بنا بر تمسک به سنت شرعی، از جنبه‌ی استحباب نیز برخوردار بوده و اقدام به آنچه در جهت رفاه مسلمین باشد، از تأکید بیشتری برخوردار خواهد بود.
- ۲- همچنین ثابت شد که رعایت عدالت در اطلاع‌رسانی، واجب بوده و روش مناسب در اطلاع‌رسانی نسبت به فرصت‌هایی که حاصل تلاش دولت یا کل جامعه اسلامی است مناقصه، مزایده و ارزیابی می‌باشد.
- ۳- علاوه بر این، ثابت گردید که رانت اطلاعاتی فی حدّ نفسه حرام نبوده؛ بلکه با توجه به منبع اطلاعات، نحوه و طرق کسب آنها مشمول احکام تکلیفی مختلفی می‌گردد.
- ۴- با توجه به مطالب مطرح شده، اطلاعاتی که موضوع احکام تکلیفی مورد بحث در مقاله قرار گرفته، اطلاعات اقتصادی است و مکلفین به این احکام در مواردی که مربوط به حقوق عمومی است، حاکمان و دولت اسلامی بوده و در مواردی که جنبه‌ی خصوصی و شخصی در آن مدنظر قرار گرفته، همه‌ی مکلفین به احکام شرعی اعم از بازرگانان و کارپردازان امور اطلاع‌رسانی و ... می‌باشند.
- ۵- در نهایت، ثابت شد که در اطلاع‌رسانی نسبت به فرصت‌های اقتصادی، رعایت سه ویژگی لازم است؛ اولاً، اطلاعات مبهم نباشند؛ ثانیاً امکان اطلاع همگان از آنها فراهم باشد؛ ثالثاً مشتمل بر بیان تمامی شرایط و لوازم فرصت‌هایی باشد که نسبت به آنها اطلاع‌رسانی صورت می‌گیرد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم؛
۲. آمدی، عبدالواحد، *غررالحکم و درر الکلم*، بی‌تا، بی‌جا؛

۳. بجنوردی، محمدحسن، *القواعد الفقهیه*، انتشارات دلیل ما، قم، ۱۴۲۴، هق/ ۱۳۸۴؛
۴. الجبعی العاملی، زین الدین (معروف به شهید ثانی)، *الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیة*، انتشارات دارالتفسیر، قم، ۱۳۷۸، چاپ پنجم؛
۵. همو، *مسالك الافهام فی شرح شرائع الاسلام*، انتشارات بلاغ؛ بیروت، ۱۴۱۴ه.ق / ۱۹۹۳م، چاپ اول؛
۶. جتعی اشرفی، غلامرضا، *قانون مجازات اسلامی*، کتابخانه گنج دانش، تهران، ۱۳۸۵، چاپ هشتم؛
۷. حر عاملی، محمد بن الحسن، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشرعیة*، انتشارات اسلامیة، تهران، ۱۳۷۹، چاپ هفتم؛
۸. حسین خان، مستاق، *رانت‌ها، رانت جویی و توسعه اقتصادی*، ترجمه محمد خضری، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، ۱۳۸۶؛
۹. ژاننه، ژان مارسل، *اصول علم اقتصاد*، ترجمه هوشنگ نهاوندی، انتشارات مدرسه عالی حسابداری، تهران، ۱۳۵۰؛
۱۰. شیرازی، سیدمحمد، *الفقه للشیرازی*، دارالعلوم للتحقیق و الطباعة و النشر و التوزیع، بیروت ۱۴۰۹ هق، ۱۹۸۸ م، چاپ دوم؛
۱۱. الطاهر ذوالمناقب، ابوالحسن محمد بن حسین (معروف به سید رضی)، *نهج البلاغه*، ترجمه دشتی، انتشارات مشهور، قم، ۱۳۸۰، چاپ هفتم؛
۱۲. طباطبائی، سید محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، انتشارات محمدی، تهران، ۱۳۴۵؛
۱۳. محقق داماد، سیدمصطفی، *قواعد فقه*، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، ۱۳۸۴، چاپ دوازدهم؛
۱۴. محمدی خراسانی، علی، *شرح اصول الفقه مظفر*، انتشارات دارالفکر، قم، ۱۳۷۸، چاپ هفتم؛
۱۵. مجلسی، محمدباقر، *بحارالانوار*، موسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ هق، ۱۹۸۳، چاپ سوم؛
۱۶. مریدی - نوروزی، سیاوش - علیرضا، *فرهنگ اقتصادی موسسه کتابی پیشبرد و انتشارات نگاه*، تهران، ۱۳۷۳هق، چاپ اول؛
۱۷. معتمدنژاد، کاظم، *وسایل ارتباط جمعی*، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ۱۳۷۱؛
۱۸. منتظر ظهور، محمود، *اقتصاد خرد و کلان*، انتشارات تهران، ۱۳۷۵، چاپ دهم؛
۱۹. نجفی، محمدحسن، *جواهر الکلام فی شرح شرائع السلام*، موسسه المرتضی العالمیه، دارالمورخ العربی، بیروت، ۱۴۱۲ه.ق، ۱۹۹۲، چاپ اول؛
۲۰. قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران، روزنامه رسمی، ۱۷۷۱۴؛
۲۱. قانون برگزاری مناقصات، روزنامه رسمی، ۱۷۴۷۴؛
۲۲. قانون تجارت الکترونیک، روزنامه رسمی، ۱۷۱۶۷؛
23. Pere, D. The MIT Dictionary of modern Econmics, New York, and MIT Press 3 rd edition 1989, P: 120.